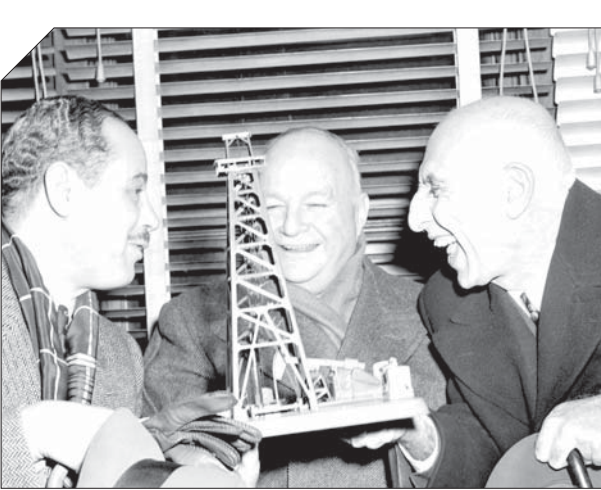


**نگاهی به کوشش‌های دکتر مصدق برای اداره کشور در شرایط تحریم نفت**

## نادر نوادر ایام\*



نادر نوادر

البته نامه نخست‌وزیر هم منتشر شده که از دهخدا تشکر کرده و نوشته است: «در ممالک دموکراسی نیک و بد دولت‌ها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و خردمندان ملت‌ها است.»

**مصدق منهای نفت**

به‌جز این، مصدق تلاش کرد تا از روش‌های دیگری وضعیت اقتصادی کشور را مدیریت کند. اقتصاد بدون نفت یکی از سیاست‌های بارز دوران نخست‌وزیری مصدق به‌شمار می‌آید. نیکلا گرجستانی، مقام ارشد سابق بانک جهانی، درباره این سیاست مصدق در مقاله‌ای نوشته است که او تلاش کرد با نادیده‌گرفتن نفت به‌عنوان منبع درآمد‌های ارزی، کشور را اداره کند. ارتقای صادرات غیرنفتی و جایگزین‌کردن تولیدات داخلی با محصولات وارداتی، محدودکردن واردات غیرضروری، تحکیم مالی (کاهش کسری بودجه دولت و انباشت بدهی)، کنترل تورم و کاهش فقر از ابزارهای اصلی مصدق برای اداره اقتصادی کشور به‌شمار می‌آید.

این مقام سابق بانک جهانی می‌نویسد: «در دوره ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، تعدیل نرخ ارز، به‌ویژه افزایش ۵۰درصدی نرخ ارز مؤثر (یعنی نرخ رسمی ارز به‌علاوه هزینه گواهی مبادله)، تأثیر بسزنایی در حجم و ارزش واردات و همچنین قیمت کالاهای وارداتی، به‌ویژه کالاهای لوکس داشت.»

بر اساس این گزارش، «حجم واردات در این دوره حدود ۴۰ درصد و ارزش واردات حدود ۲۰ درصد کاهش داشت و قیمت‌های ریالی کالاهای وارداتی حدود ۵۵ درصد افزایش پیدا کرد که نشان‌دهنده کسش قیمتی قابل توجهی در واردات بود. این اعداد و روند‌ها حاکی از آن است که پاسخ تقاضا به افزایش قیمت‌های نسبی واردات قابل توجه و قوی بود. علاوه بر این، مشوق‌های در نظر گرفته‌شده برای تولید داخلی، نه‌تنها به جایگزینی

قابل توجه واردات و به‌ویژه در کالاهای کشاورزی منجر شد بلکه صادرات آنها را نیز افزایش داد. برای مثال، در سال ۱۳۲۹ ایران ۱۰۷هزار تن گندم و ۲۵ تن جو وارد کرده بود؛ در سال ۱۳۳۲ نه‌تنها واردات این دو محصول عملاً متوقف شده بود بلکه برای اولین‌بار صادر شدند (۴۸۰ تن گندم و ۱۲هزارو ۵۰۰ تن جو). وضعیت مشابهی در مورد حبوبات و برنج به وقوع پیوست.»

محمدعلی همامی‌کاتوزیان هم در کتاب اقتصاد سیاسی ایران نوشته است: «مصدق در زمینه افزایش صادرات غیرنفتی بسیار موفق عمل کرد. در سال ۱۳۳۱ ارزش صادرات فرش ۱۳۳۹ میلیون ریال یا دوبرابر ارزش صادرات آن در دو سال قبل بود. از این گذشته، دولت برای افزایش صادرات اقلامی مانند گوسفند زنده (به عربستان سعودی) و تیتاکو (به شوروی) که پیش‌تر به مقدار قابل‌ملاحظه‌ای صادر نمی‌شد، کوشید. این به آن معنا بود که ایرانیان باید کمتر از گذشته محصولات تولید خودشان را مصرف کنند اما از آنجا که دولت فاسد نبود و مردم با دولت همکاری می‌کردند، این امر امکان‌پذیر بود. برای مثال در اوایل سال ۱۳۳۱ دولت با توزیع مقدار زیادی ماهی تازه که تولید آن در همان اواخر از دست شوروی خارج شده بود (امتیاز طولی‌المدت آنها برای بهره‌برداری از سهم ماهی ایران در دریای خزر پایان یافته و به‌وسیله دولت ایران تمدید نشده بود) از خطر افزایش قیمت گوشت گوسفند به‌طور مؤثر جلوگیری کرد.»

نیکلا گرجستانی هم در مقاله خود تأکید می‌کند که در زمان مصدق، واردات کالاهای لوکس مهار شد و در مقابل مبادلات تهارتی برای واردات ماشین‌الات و کالاهای سرمایه‌ای رشد داشت و درمجموع در زمان نخست‌وزیری مصدق «روی‌هم‌رفته ارزش صادرات غیرنفتی، بسته به منابع داده‌ها و روش‌های مختلف ارزش‌گذاری بین ۴۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش داشت و همچنین حجم محصولات صادراتی بیش از دوبرابر شد و ۱۳ درصد رشد را تجربه کرد.»

بااین‌احوال، برخی درباره دستاوردهای مصدق ابراز تردید می‌کنند و از اساس ملی‌شدن صنعت نفت را اشتباهی می‌دانند. برای مثال کتاب «اقتصاد تحریم نفت» با عنوان فرعی جدال بر سر تجربه مصدق، شرح مباحثه‌ای است میان اقتصاددانانی از طیف‌های مختلف فکری درباره میزان توفیق تدابیری که محمد مصدق برای رویارویی با تحریم نفتی حاصل از ملی‌کردن صنعت نفت ایران در پیش گرفت. این کتاب نوشته پاتریک کلاسن، سروس ساسان‌پور، کامران دادخواه، محمدقلی مجد و حاج‌محمد نمازی با ترجمه پهرنگ رجبی است.

پاتریک کلاسن و سروس ساسان‌پور که مشاوران بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستند، نظرشان این است که هر کشوری در مواجهه با فشارهای اقتصادی بین‌المللی، برای تطبیق با شرایط تازه، در سیاست‌های داخلی تغییراتی می‌دهد که اگر این روند هوشمندانه و بسامان پیش برود، فشارها عملاً بی‌اثر خواهد شد و سرنوشت بازی در جایی دیگر رقم خواهد خورد؛ پای میز مذاکره یا چنان‌که در مورد ایران شد، در خیابان و با کودتای نظامی. در مقابل کامران دادخواه، استاندار اقتصاد دانشگاه نورت‌ایسترن بوستون، تأکید دارد که اگر کودتا هم نشده بود، باز فرقی نمی‌کرد: دولت مصدق بختی برای دوام نداشت و دیر یا زود زیر فشارها درهم می‌شکست و اگر قدرت‌های خارجی هم کنار می‌نشتند، مردم ناراضی داخل کنارش می‌زدند. او معتقد است که در دوران ملی‌شدن صنعت نفت، آمریکا از ایران حمایت و به ایران کمک کرد و ازجمله مانع حمله نظامی انگلیس به ایران شد ولی در نظر آمریکا قراردادی مانند آنچه آر‌مکو با عربستان داشت یا آنچه ونزوئلا به دست آورده بود، یعنی قرارداد ۵۰-۵۰ عادلانه بود اما مصدق نمی‌توانست چنین قراردادی را قبول کند. در نتیجه چالش جدی‌تری در حوزه گاز خواهیم داشت.

او همچنین درباره داده‌های اقتصادی کشور در زمان نخست‌وزیری مصدق ابراز تردید می‌کند و معتقد است برخی از این داده‌ها ساخته و پرداخته هواخواهان مصدق است.

**• برگزفته از شعر «پیرمحمد احمدآبادی» از مهدی اخوان‌ثالث**

##### یادداشت

### اتاق بازرگانی به مثابه میانجیگر دولت و بخش خصوصی



**بیوک علیمرادلو، مدیرعامل گروه بهمن**؛ حکمرانی اقتصادی در ایران اجزای مختلفی دارد؛ اصل ۴۴ قانون اساسی بخش خصوصی، دولتی و تعاونی را به‌عنوان اجزای اقتصاد کشور شناسایی کرده است اما هماهنگی این اجزا به سادگی امکان‌پذیر نیست و نیازمند طراحی سازوکارها و نهادهای واسطی است که این تعامل را بین اجزای حکمرانی اقتصاد ایجاد کند.

اقتصاد در بخش دولتی با اجرای سیاست‌های کلان و دراختیارداشتن ابزارهای فراگیر پولی و بانکی و قانون‌گذاران نقش مهممی در حیات فعالیت‌های اقتصادی دارد. در ظاهر تمام شریان‌های اصلی فرایند تولید در اختیار دولت بوده و سهم مهمی در اقتصاد کشور دارد. دولت حسب دیگر برنامه‌های کلان خود در حوزه دیپلماسی یا امنیت و… چارچوبی برای اقتصاد ترسیم می‌کند که بدون شک اهداف بخش خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دولت به سبب ماهیت وجودی خود، چندان به ارزش‌هایی مانند بازدهی و سودآوری بها نمی‌دهد البته این خصلت به دلیل ویژگی‌های ذاتی نهاد دولت است و مثلاً نمی‌توان از دولت انتظار داشت، نهادی مانند آموزش را به دلیل سودآورنبودن تعطیل کند. اما این قاعده در بخش خصوصی وجود ندارد.

بخش خصوصی اما قواعد متفاوتی دارد. یک بخش خصوصی واقعی به دنبال توسعه و سودآوری بنگاه تحت مدیریت خود است. مدیران این بخش برای نیل به اهداف خود باید از قواعد علمی و تخصصی خاصی استفاده کنند. مدیران خصوصی فعالان اقتصادی هستند، برای آنها سودآوری و توسعه و نوآوری بنگاه ارزش به حساب می‌آیند. چنانچه مدیر یک مجموعه خصوصی نتواند به یکی از مقولات فوق متعهد باشد، از نظر اقتصاد مدیر موفقی نخواهد بود و موفقیت بخش خصوصی مرهون اجرای قوانینی است که قوانین و دستورالعمل‌های آن با هدف رشد اقتصادی وضع شده باشند؛ اتاق‌های بازرگانی می‌توانند این نقش را بر عهده داشته باشند.

پیچیدگی ماجرا در جایی است که بخش خصوصی و دولت باید بتوانند آرمان‌ها، اهداف و برنامه‌های خود را با یکدیگر مهرآस्ता کنند. در تمامی دنیا ممکن است سیاست‌های کلی نظام‌های سیاسی با برنامه‌های بخش خصوصی در تعارض قرار بگیرد. این تعارض درواقع حکمرانی اقتصادی کشور را ناکارآمد می‌کند و در مرتبه بعدی به اهداف کشور لطمه وارد می‌کند. اتفاقات فعلی اقتصاد کشور حاصل ناهماهنگی اجزای حکمرانی اقتصادی است.

من بر حسب تجاربی که در بخش پتروشیمی، صنایع هواسیی، تولید لوازم خانگی و صنعت خودرو و همچنین وزارت صمت داشته‌ام، بارها این تعارض را تجربه کرده‌ام و به‌خوبی می‌توانم به یاد بیاورم چطور این مسائل توسعه بخش خصوصی را دچار مشکل کرده است.

انتظاری که می‌توان از اتاق‌های بازرگانی داشت، در حل تعارض‌های فی‌مابین دولت و بخش خصوصی است. اتاق‌ها می‌توانند به‌عنوان میانجیگر تعارضات این دو بخش را برطرف کنند. در حقیقت آنها نماینده بخش خصوصی در حاکمیت هستند و می‌توانند این بخش خصوصی و دولتی را که بعضاً دچار تعارض می‌شوند، وحدت ببخشند.

امروزه توسعه حضور بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی کشور بیش از پیش احساس می‌شود. کشور راهی جز فعال‌کردن بخش خصوصی و سپردن فعالیت‌های اقتصادی کشور به بخش خصوصی و سیاست‌گذاری و نظارت به دولت ندارد. امیدوارم با سپردن و تقویت اقتصاد کشور به بخش خصوصی شاهد یک اقتصاد قوی و پایدار در کشور باشیم و جایگاه خود را در اقتصاد جهانی به دست آوریم. این مهم از طریق اتاق‌های بازرگانی به دور از تعصبات صنفی و گروهی امکان‌پذیر خواهد شد. در پایان اگر بخواهم به سوابق حضورم در بخش‌های مختلف بازرگردم، باید بر این موضوع تأکید کنم که بسیاری از این مشکلات و عدم مفاهمه بخش خصوصی و دولت، با نقش‌آفرینی نهادهای میانجی‌ای مثل اتاق‌های بازرگانی قابل حل‌وفصل است.

درواقع اتاق‌های بازرگانی ابزار حیاتی توسعه صنعت و بخش خصوصی در کشور هستند و اتاق‌های قدرتمند هم به نفع دولت است و هم به سود بخش خصوصی خواهد بود.



شرق: نخستین تبعات ملی‌شدن صنعت نفت ایران از فروردین سال ۱۳۳۰ نمایان شد. شرکت نفت ایران و انگلیس مزایای کارگران را قطع کرد و همین موضوع باعث اعتصاب کارگران صنعت نفت شد. اعتصاب کارگران وقتی اوضاع خوزستان را از کنترل خارج کرد و با بالاگرفتن ناآرامی‌ها، دولت در بنجم فروردین حکومت نظامی اعلام کرد. در میانه‌های فروردین، اعتصابات اوج گرفت و کار به زدوخورد کارگران با قوای نظامی کشید که در جریان این حوادث عده‌ای از انگلیسی‌ها و مردم کشته و مجروح شدند و دولت ناگزیر شد یک هیئت نظامی با تجهیزات کافی به خوزستان اعزام کند. این وضعیت، اقتصاد کشور را در تنگنا بی‌سابقه‌ای قرار داده بود و دولت وقت قادر به پرداختن حقوق کارمندان و کارگران هم نبود. دولت مصدق برای رویارویی با چنین شرایط دشواری، سیاست‌های ویژه اقتصادی‌ای در پیش گرفت. سیاست‌هایی که شاید بدون برخورداری از پشتوانه سرمایه اجتماعی مصدق امکان موفقیت آنها وجود نداشت.

##### پشتوانه اجتماعی؛ از دهخدا تا مالک چلوکبابی

دولت مصدق برای بررون‌رفت از وضعیت بفرنج اقتصاد، لایحه «قرضه ملی» را به مجلس برد که روز ۱۳ مرداد به تصویب رسید و بر اساس آن، دولت برای تأمین کسری بودجه ۲۰۰ میلیون تومانی خود اوراقی را با سررسید دوساله و سود شش درصد به مردم فروخت. فروش اوراق از دی‌ماه سال ۱۳۳۰ شروع شد و شاه دومیلیون ریال و مصدق ۲۵۰ هزار ریال اوراق قرضه ملی خریدند.

مصدق و هواخواهان او تلاش کردند مردم را به خرید اوراق قرضه ترغیب کنند. در این میان، یکی از هواداران مصدق به نام حاج‌محمدحسین شمشیری، صاحب چلوکبابی معروف شمشیری در «سبزه‌میدان» تهران و از بازاریان متمول پایتخت، به «قهرمان قرضه ملی» معروف شد. او درحالی‌که حزب توده خرید اوراق را تحریم کرده بود، ۲۰۰ هزار تومان برای خرید این اوراق پرداخت کرد و سه‌میلیون تومان دیگر هم در اختیار بانک بیمه گذاشت تا بدون بهره، به فقر را مستمندانه بپردازد.

یکی دیگر از مصادیق تاریخی کمک هواداران مصدق برای خرید اوراق قرضه و تأمین کسری بودجه دولت، سندی است که روزنامه کیهان چاپ پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ می‌آورد و در آن از نامه علامه دهخدا، نویسنده و لغت‌نامه‌نویس مشهور، به مصدق می‌نویسد. دهخدا که علاوه بر ادیب‌بودن، سابقه مبارزات آزادی‌خواهانه دارد، با وجود تنگناهای مالی نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشت و مبلغی برای کمک به دولت هدیه کرد.

او در این نامه ضمن ابراز محبت فراوان به مصدق نوشته است: «یک دوره از چاپ‌شده‌های کتاب لغت برای یادگار دوستانه تقدیم کردم و مبلغ ده هزار تومان هم برای تاریخ سلخ (آخر) بهمن ۱۳۳۰ برای مصارف ملی بلاعوض تقدیم داشتم. این آخرین چیزی است که از مال دنیا دارم و از کوچکی آن شرمسارم.»



##### رئیس انجمن بهینه‌سازی ایران شیوه بهینه‌سازی مصرف گاز کشور را بررسی می‌کند

## انحراف بهینه‌سازی

شرق: اما و اگرهای اجرای بهینه‌سازی مصرف در ایران تمامی ندارد و حالا دوباره یک جابه‌جایی وظیفه بر روی کاغذ صورت گرفته است اما این جابه‌جایی به دلیل تضادهای فنی و محاسباتی میان دو نهاد شرکت ملی گاز و شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت به‌خصوص در حوزه بخاری‌های فرسوده، باعث مشکلاتی در روند بهینه‌سازی خواهد شد؛ ازجمله با توجه به پیش‌نویس جدیدی که دراین‌باره تهیه شده و منتظر تصویب شورای اقتصاد است که به باور بخش خصوصی، تنها تأثیرات آن بر سخت‌کردن فضای برای بخش خصوصی در حوزه بهینه‌سازی است.

آرش نجفی، رئیس انجمن بهینه‌سازی ایران، درباره چالش‌های واگذاری بهینه‌سازی گاز از شرکت بهینه‌سازی مصرف به شرکت ملی گاز و ارائه پیش‌نویس این طرح به «شرق» گفت: در بحث تعویض بخاری‌ها قرار است مجری طرح شرکت بهینه‌سازی نباشد و شرکت گاز متولی باشد. در اینکه شرکت گاز باید تعویض بخاری‌ها می‌تواند بهتر از شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت عمل کند، شکنی نیست، ولی ایس نباید دلیلی بر کنارگذاشتن شرکت بهینه‌سازی باشد. به دلیل اینکه هر کجا خط لوله گاز رفته، تیم فنی شرکت گاز نیز مجبور است آنجا حضور داشته باشد و خدمات دهد، در نتیجه تعویض بخاری را شرکت گاز بهتر می‌تواند انجام دهد. اما مباحث فنی و کنترل بهینه‌سازی باید با شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت باقی بماند. ضمن اینکه تمام مسئله بهینه‌سازی کاهش مصرف گاز نیست. یکی از مباحث مهم بهینه‌سازی، کاهش مصرف و بهینه‌سازی در ساختمان‌ها، خودروها و… است. اینکه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت جقدر خوب کار کرده یا خیر بحث دیگری است و

سیدامیر مینصف، رئیس سازمان فروش و خدمات پس از فروش گروه بهمن، از کسب جایگاه نخست در آخرین ارزیابی فروش خودروسازان سواری و تجاری کشور خبر داد. وی این موفقیت را نشانه اهمیت و اولویت رضایت‌مندی مشتری برای یکایک همکاران گروه بهمن دانست. مینرصف با تأکید بر این موضوع که استانداردهای ارزیابی خدمات فروش در این دوره در مقایسه با دوره‌های قبل ارتقا یافته و سخت‌گیرانه‌تر شده بود، عنوان کرد: با همت و تلاش تمامی همکاران گروه بهمن و با التزام تمامی همکاران به اصل مشتری‌مداری و رعایت حقوق مشتریان، با لطف و نظر مشتریان در شرکت بهمن‌موتور موفق به کسب امتیاز ۸۸۲ (از ۱۰۰۰) در رضایت‌مندی مشتریان شدیم. وی افزود: ما برای رسیدن به این جایگاه از هیچ تلاشی فروگذار نکردیم و نخواهیم کرد. در گروه بهمن رضایت‌مندی مشتریان اولین و مهم‌ترین اصل است. رئیس سازمان فروش و خدمات پس از فروش گروه بهمن در پاسخ به این سؤال که این ارزیابی شامل چه مواردی است، گفت: از دیدگاه مشتریان، در سه مقوله سرعت، کیفیت و هزینه مورد پایش قرار می‌گیرد و عملاً دیدگاه مشتریان و خریداران محصولات از این سه شاخص نامبرده است. وی همچنین اظهار کرد: علاوه بر دیدگاه مشتریان شرکت‌ها از منظر انطباق



سید امیر مینصف، رئیس سازمان فروش و خدمات پس از فروش گروه بهمن